

تأملی بر هیجان‌های خشونت‌آمیز در اعتراض‌های اخیر

توده‌های مجازی دچار توهم واقعیت هستند

علی‌سعد

مدیر اندیشکده حکمرانی شریف

تحلیل و توصیف اعتراض‌های اخیر به‌دلیل جدید بودن سبک و شیوه آن کار آسانی نیست. نظریه‌های گذشته جنبش‌های اجتماعی و هیجان‌های توده‌ای به‌طور عمده براساس ساختارهای عمودی جوامع در دهه‌های گذشته توسعه‌یافته اما شبکه‌ای شدن جوامع و گسترش و مستحکم‌شدن ارتباطات افقی به‌واسطه توسعه، استفاده از تلفن‌های همراه و پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر نیاز به رویکرد ترکیبی و تلفیقی برای توصیف دقیق‌تر و تحلیل عمیق‌تر را ایجاب می‌کند. در این یادداشت تلاش می‌شود با بررسی مطالعات انجام شده، چرایی سبک جدید اعتراض‌ها و بررسی و در خصوص شیوه مدیریت آنها راهکارهایی برای دستگاه‌های تصمیم‌گیر ارائه شود.

مطالعه و توصیف رفتار جمع زیاد و مترکم مردم که به آن توده (Mass) گفته‌شده و منجر به هیجان‌های غیرطبیعی در افراد حاضر در موقعیت می‌شود سابقه دیرینه‌ای در علم جامعه‌شناسی دارد.

«گوستاو لوبون» جامعه‌شناس فرانسوی، این ویژگی‌ها را برای توصیف مفهوم «توده» به معنای عده‌ای از افراد که در پی عمل مشخصی یا بروز حادثه‌ای گروه‌می‌آیند و دارای ویژگی‌هایی از جمله از بین رفتن شخصیت خودآگاه، احساس همبستگی و روح مشترک با توده، تلقین‌پذیری و زودباوری، مبالغه و اغراق در فهم واقعیت، سازش‌ناپذیری و برتری‌جویی است برمی‌شمارد. جامعه‌شناسان دیگری ازجمله

«آنتونیو نری» و «مایکل هارت» برای توصیف ویژگی‌های رفتاری این جمع افراد از واژه «انبوه خلق» استفاده کرده‌اند و در سال‌های اخیر نیز کلید واژه توده هوشمند(Smart Mob) توسط «هوارد ریگولد» مورد استفاده قرار گرفته است.

این ویژگی‌ها که خصوصیت رفتار جمعی توده‌ای و هیجان‌های

سرایت‌بخش است، برای نخستین‌بار در توصیف رفتارهای خشن و عجیب انقلابیون فرانسه در قرن ۱۶ میلادی در حمله به زندان باستیل و مثله‌کردن زندانبان‌ها و فرماندار باستیل به‌کارگرفته شد. پس از آن، بسیاری از موقعیت‌های مشابه توسط پژوهشگران بررسی شد و این‌گونه رفتار که در جمع‌های مترکم انسانی به‌وقوع می‌پیوندد توصیف و تحلیل شده است.

اما در سالیان اخیر با رشد و گسترش ابزارهای ارتباطی، شاهد نوع جدیدی از این‌گونه رفتار توده‌ای هستیم. با گسترش نفوذ ابزارهای ارتباطی میان شهروندان، به اعتقاد ریگولد پژوهشگر اثرات اجتماعی، فناوری‌های ارتباطی، قابلیت ارتباط و محاسبه از طریق شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها قابلیت همکاری مردم را تقویت کرده و امکان ایجاد توده ناگهانی را با وجود داشتن فاصله فیزیکی در زمان و مکان معین ایجاد می‌کند.

از سوی دیگر، مطابق نظر جامعه‌شناسان در خصوص مفهوم «تغییر اجتماعی» (Social change)، شرایط تغییر می‌تواند توسط عواملی کندتر یا فعال‌تر شود. بر همین مبنا نیز می‌توان گفت شبکه‌های مجازی شکل گرفته در بستر آنلاین در ایجاد شرایط تغییر از طریق بالابردن سرعت انتقال اطلاعات و بی‌کارکرد کردن «کنترل‌های اجتماعی» نیز می‌تواند این روند را تشدید کند. به‌عبارت دیگر، فرایند یا بروز حادثه‌ای گروه‌می‌آیند و دارای ویژگی‌هایی از جمله از بین رفتن شخصیت خودآگاه، احساس همبستگی و روح مشترک با توده، تلقین‌پذیری و زودباوری، مبالغه و اغراق در فهم واقعیت، سازش‌ناپذیری و برتری‌جویی است برمی‌شمارد. جامعه‌شناسان دیگری ازجمله

«آنتونیو نری» و «مایکل هارت» برای توصیف ویژگی‌های رفتاری این جمع افراد از واژه «انبوه خلق» استفاده کرده‌اند و در سال‌های اخیر نیز کلید واژه توده هوشمند(Smart Mob) توسط

«هوارد ریگولد» مورد استفاده قرار گرفته است. این ویژگی‌ها که خصوصیت رفتار جمعی توده‌ای و هیجان‌های

■ **رشد خشونت‌عریان**

تاثیرگذار شایعات و سرایت احساس‌ها که در پی یک واقعه و در شبکه‌های انسانی شکل گرفته در فضای مجازی اتفاق می‌افتد عامل مهمی در گسترش خشونت‌عریان است. فردی که در محاصره احساس‌های فرآینده توده قرار گرفته، بشدت مستعد انجام اعمال و اقدامات تشدید یافته می‌شود. مثال روشنی از این‌مسأله در شورش ۲۰۱۱ انگلستان قابل مشاهده است که معترضان با «احساس سازش‌ناپذیری و شکست‌ناپذیری» دست به اقداماتی زدند که در تاریخ معاصر بریتانیای سابقه است. پلیس در برابر آتش‌زدن چندصد منزل مسکونی بنای تاریخی و فروشگاه که منجر به خسارات جبران‌ناپذیری شد در عمل نتوانست اقدامی برای کنترل آن کند. اقداماتی که در روزهای اخیر در سطح برخی شهرهای کشور رخ داد با همین قاعده قابل توصیف است.

■ **هویت مجازی و احساس همبستگی در میان افراد نامهمگون**

از دیگر ویژگی‌های شبکه‌های شکل گرفته در بستر آنلاین، شکل‌گیری همبستگی میان جمع ناهمگونی از افراد با اعتقادات و پیشینه‌های متفاوت است. در شبکه‌های اجتماعی مجازی شکل گرفته، افرادی که به‌طور عمده جوان یا نوجوان هستند با افراد دیگری که در این توده مجازی قرار گرفته‌اند اما پیشینه‌های جغیاتی‌گراانه دارند، احساس همبستگی می‌کنند. این مسأله علاوه بر سرایت هیجان‌ها و اقدامات جغایت‌کاران به جوانان، موجب انجام اقداماتی خواهد شد که شاید هر یک از آن جوان‌ها و نوجوان‌ها در شرایط عادی به هیچ‌وجه مرتکب نمی‌شدند.

بنابراین سه‌ویژگی عمده در این توده به وجود می‌آید:

۱. غیرقابل پیش‌بینی شدن نقش‌ها در هر موقعیت به‌گونه‌ای که اقدامات غیر پیش‌بینی‌شده از افراد سر می‌زند.
۲. همزمانی ارتباطات چندسویه و شایعاتی که در راستای هدف شکل‌گیری توده مطرح می‌شود خیلی سریع واکنش مثبت نشان می‌دهند و احساس‌های آنها تشدید می‌شود و این مسأله انگیزه فعالیت را بالا می‌برد.



میان نقش‌ها به نوعی که فرد نمی‌تواند میان الزامات نقش قبلی خود با نقش کنونی‌اش در توده، تفاوت و تمایز قائل شود. این سه ویژگی را می‌توان ریشه برخی از اقداماتی دانست که در هفته‌های گذشته در سطح کشور بارها مشاهده شد.

■ **کاهش اثرگذاری هنجارها و چهارچوب‌های اجتماعی**

بیشتر فعالیت‌ها و ساختارهای گروه بزرگ در جوامع انسانی بازتابی از قواعد، تعاریف یا هنجارهای جا افتاده آن جوان‌ها و نوجوان‌ها در شرایط عادی به هیچ‌وجه مرتکب نمی‌شدند. بنابراین سه‌ویژگی عمده در این توده به وجود می‌آید:

۱. غیرقابل پیش‌بینی شدن نقش‌ها در هر موقعیت به‌گونه‌ای که اقدامات غیر پیش‌بینی‌شده از افراد سر می‌زند.
۲. همزمانی اجرای نقش‌ها به این معنا که فرد در زمانی که در یک محیط علمی حضور دارد می‌تواند نقش یک معترض خشن را ایفا کند.

۳. از بین رفتن مرزبندی و تفکیک

که کارکرد هنجارهای جامعه کم‌اثرتر شود. به همین دلیل انجام رفتارهای هیجانی و رفتار خارج از عرف در اعتراض‌های اخیر به صورت بیشتری دیده شد.

■ **اینفلونسرهای مجازی، رهبران افکار در نسل جدید**

از نقطه نگاه ادبیات توده در جامعه‌شناسی، برای اینکه توده به مرحله حرکت و اقدام برسد عوامل پیش‌زمینه‌ای باید کنار هم قرار بگیرند. قواعده، تعاریف یا هنجارهای جا افتاده و شکل گرفته است؛ در حالی که رفتار جمعی، خارج از قلمرو تجویز فرهنگی قرار می‌گیرد و فردی که در دام توده گرفتار شده، نسبت به هنجارهای مورد قبول خود، کم‌تفاوت یا بی‌تفاوت می‌شود.

بنابراین سه‌ویژگی عمده در این توده به وجود می‌آید:

۱. غیرقابل پیش‌بینی شدن نقش‌ها در هر موقعیت به‌گونه‌ای که اقدامات غیر پیش‌بینی‌شده از افراد سر می‌زند.
۲. همزمانی اجرای نقش‌ها به این معنا که فرد در زمانی که در یک محیط علمی حضور دارد می‌تواند نقش یک معترض خشن را ایفا کند.
۳. از بین رفتن مرزبندی و تفکیک

از سوی دیگر یکی از ویژگی‌های نسل جدید که از آن با عنوان نسل «زد» یاد می‌شود، درهم شکستن ارزش‌ها و بازآفرینی ارزش‌های جدید است. هم‌افزایی این دو مسأله منجر می‌شود



چنین نقشی را بازی کرده و زمینه‌های شکل‌گیری هیجان‌های اعتراضی را فراهم می‌کند.

■ **چه باید کرد؟**

توصیف‌های پیش‌گفته از فعالیت‌های توده‌های جدید در فضای مجازی نشان از واقعیت جدیدی در جوامع دارد و احتمال اینکه این توده‌ها که روی شبکه‌های اجتماعی شکل گرفته در فضای مجازی تشکیل می‌شوند در پس حوادثی در آینده نیز به وجود آیند، قابل پیش‌بینی است. بنابراین به نظر می‌رسد باید با اتخاذ راهکارهایی نسبت به کاهش اثرات و آسیب‌های آن اقدام کرد. در این زمینه به چند رویکرد مهم در سطح حکمرانی فرهنگی کشور اشاره می‌شود:

۱ **گسترش تجربه فعالیت‌های جمعی برای عموم مردم**

«همکاری مشارکتی» یکی از ویژگی‌های انسان است که موجب رشد و توسعه تمدن بشری شده است. این

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

۴ **داشتن دستورالعمل رسانه‌ای بحران‌های اجتماعی**

امروزه داشتن دستورالعمل رسانه‌ای در بحران‌های طبیعی یک امر پذیرفته شده و ضروری تلقی می‌شود. در بحران‌های اجتماعی لزوم تجدید نظر در آیین‌نامه اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی، ایجاد زیرساخت‌های لازم برای تجربه فعالیت جمعی در حوزه‌های فرهنگی و ورزشی و به رسمیت شناختن فعالیت‌های صنفی می‌تواند به این مسأله کمک کند.

۲ **تنظیم‌گری سلبریتی‌ها**

در دنیای امروز که سلبریتی‌ها به نوعی نقش نخبگان به عنوان رهبران افکار عمومی را بازی می‌کنند، بی‌تفاوت بودن نسبت به این مسأله یا فقط نگاه امنیتی داشتن به آن، یک اشتباه حکمرانی است. مسئولان فرهنگی کشور باید با پذیرش این واقعیت جامعه به سمت هدایت، جهت‌دهی، ریل‌گذاری و تدوین قوانین و مقررات برای این دسته نوظهور رهبران افکار عمومی حرکت کنند.

در جریان شروع بیماری کرونا در برخی از کشورها از سلبریتی‌ها برای گسترش سواد بهداشتی افراد جامعه استفاده شد که نتایج قابل توجهی داشت. بنابراین استفاده از این ظرفیت و تقلیل دادن نگاه تهیدم‌محور به آن می‌تواند در بحران‌های اجتماعی آینده کمک‌کننده به حل مشکل باشد.

۵ **نقش پررنگ رسانه ملی**

رسانه ملی در حکمرانی رسانه‌ای کشور، نقش بی‌بدیل و غیرقابل انکاری دارد. از این جهت در چند بخش به به روزرسانی سیاست‌ها و تطبیق با چهارچوب رسانه‌ای امروز نیاز دارد. ایجاد هم‌افزایی با سایر رسانه‌ها که نخستین مرحله آن پذیرش و نداشتن نگاه متخاصمانه است، باید در دستور کار قرار گیرد.

از سوی دیگر رویکرد سیاسی رسانه ملی باید به سمت ایجاد مرجعیت خبری برای قشر بیشتری از مردم حرکت کند تا در مواقع بحران، نقش مؤثرتری در مقابله با جریان‌های اخبار جعلی در فضای مجازی و رسانه‌های خارج از کشور ایفا کند.

۶ **پیگیری حقوقی تخلف‌های رسانه‌های خارجی**

یک مسأله‌ای که تاکنون مغفول مانده، بی‌تفاوتی و انکار تاثیرگذاری رسانه‌های خارجی در کشور بوده است.

مسائل اخیر به روشنی نشان داد که باید با یک بسته منسجم در خصوص خنثی‌سازی اقدامات این رسانه‌ها عمل کرد. یکی از ابزارهای مؤثر در این زمینه، پیگیری حقوقی تخلف‌های آنها بر اساس پروتکل‌ها و قوانین بین‌المللی است. شکایت و پیگیری جدی در این زمینه یکی از مسیرهایی است که دست‌گام حقوقی و قضایی کشور باید به صورت جدی دنبال کند.

توان و مقاومت را برای خوداتکایی و رهایی و تعالی؛ عمق بخشی به چنین روحیه‌ای دشوار نیست اگر بدین‌هم که ذات انقلاب اسلامی، مردمی است و به واسطه روحیه جهادی تا به اکنون توانسته است پایدار و جاودان بماند. که امروز، ایران دارای قدرت عالی و سطح یک بازاریاندگی است؛ موضوعی که نشانگر اتکای نیروهای مسلح کشور بر خودباوری ملی، تولید دانش انسان‌هایی است که از جان‌گذشتگان را بدرقه کرده‌اند و اشک ریخته‌اند. بنابراین روحیه انقلابی مفهومی است که از بطن گفتمان انقلاب اسلامی قابل تفسیر است و بدیهی است که این مفهوم خود می‌تواند مفاهیم و الگوهای انقلابی دیگری را معنادار کند. تا زمانی که انسانیت و مردمی بودن، جهاد و یاریگری و روح معنویت گسترده باشد، مفاهیم دربرگیرنده گفتمان انقلاب قدرت تبلور دارند؛ این سلسله‌تعبیر در عرصه عمل، کنش‌ورزی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را نیز افزایش می‌دهد.

تکنه دیگر اینکه روحیه انقلابی و ضعف‌ها را به قوت تبدیل کند. مشی دولت سیزدهم در قالب دولت مردمی خود گویای روندی مؤثر است که در راستای تعمیق روحیه انقلابی و جهادی است؛ در این راستا کدام ابزار آشوب می‌تواند چنین روحیه‌ای را از بین ببرد؟ اوج این امیدواری زمانی است که روحیه انقلابی به خودباوری ملی خوداتکایی جمعی رسیده باشد. در واقع به‌روزرسانی مفهومی انقلابی برای مردمی است. به عبارتی این مسأله را باید در سه محور بررسی کرد:
۱. **تعمیق روحیه انقلابی در جوانان**
جوانان به عنوان نیروی محرکه اصلی جامعه هستند. روحیه انقلابی در جوانان، بستری برای تحقق اهداف بلندمدت کشور است. به همین دلیل، باید با سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش، روحیه انقلابی در جوانان تقویت شود.
۲. **تعمیق روحیه انقلابی در نخبگان**
نخبگان به عنوان رهبران افکار هستند. روحیه انقلابی در نخبگان، می‌تواند به گسترش و تعمیق روحیه انقلابی در جامعه منجر شود.
۳. **تعمیق روحیه انقلابی در معتمدین**
معتمدین به عنوان پایه‌های جامعه هستند. روحیه انقلابی در معتمدین، می‌تواند به تقویت روحیه انقلابی در جامعه منجر شود.



قبول نیست که...» یا آنجایی که شهید مطهری می‌گفت انقلاب و انقلابی‌گری «چگونه نباید باشد»؛ به عبارتی گفتمان انقلاب اسلامی در واکنش به رویدادها و روندها توانسته است مفاهیمی را در راستای تعالی به همان مردمی که اراده و انتخاب تغییر داشتند بازخورد دهد؛ این ارتباط چنان عمیق و قلبی است که می‌تواند جهت سازشود و نسلی را پرورش دهد که خود با همان روحیه انقلابی چند دهه گذشته یکبار در قامت جهاد، یکبار در قامت تعالی و یکبار در قامت مبارزه‌برای پیشرفت و خوداتکایی ظاهر شوند؛ تا جایی که این روحیه تغییر هرگونه ناملایمات را به فرصت‌هایی برای ایستادن تبدیل کند.

■ **اتفاقات اخیر را باید فرصتی برای تقویت روحیه انقلابی دانست**

اتفاقات اخیر در واقع فرصت به‌روزرسانی و بیادآوری را ایجاد کرد؛

شعارنوشته‌ها یا تهییج جوانان برای سر دادن شعارهای ساختارشکن از بام خانه‌ها یا در معابر است؛ یا پخش تراکت

و اعلامیه در جامعه و فضای مجازی یا تشکیل گروه‌های کوچک آشوبگر دشمن سعی داشت با الگوبری از روندهای پیشین انقلابی در کشور ما از آنها علیه مردم و انقلاب استفاده کند؛ غافل از اینکه این الگوبری‌ها پاسخ عکس به تلاش‌های آنها داده و پیوستگی و همبستگی مردم و انقلاب را بیشتر کرده است. حتی می‌توان این فرضیه کلی را از ذهن گذراند که وجود توالی اعتراضات و آشوب‌ها، برخی مسائل کلان در سطوح اجتماعی و فرهنگی همچون کاهش سرمایه اجتماعی را تا حدی مرتفع ساخت. به عبارتی آن‌ها نه تنها دامنه آشوب‌ها خدشه‌ای به کبان انقلاب وارد نساخت که چسبندگی اجتماعی را بیشتر کرد، چرا که در بطن این اتفاقات آنچه برای مردم مسجّل گشت مسأله امنیت بود که اتفاقاً اعتماد عمومی نیز در این راستا تقویت شد. بنابراین، این گزاره در ادبیات انقلابی‌گری دور از واقعیت نیست که نه تنها اعتراضات اجتماعی و ایجاد آشوب باعث عقبگرد نمی‌شود که بستر توسعه سیاسی پایدار را برای نظام سیاسی به ارمغان خواهد آورد.

■ **انقلاب اسلامی پایان‌ناپذیر است**

در قاموس انقلابی‌گری، همواره مؤلفه‌های کلی و کلان همچون آرمان‌ها باقی می‌مانند اما لازم است که در گذر زمان با توجه به تغییر پارادایم‌ها و الگوهای نظری، خرد، مؤلفه‌ها به‌روزرسانی شوند. در برخی موارد نیاز است گفتمان‌ها دوباره مفصل‌پردازی شوند یا نیاز به به‌روزرسانی مفهومی برای اجتماع باشد که البته، رویدادهایی چون اتفاقات اخیر همچون

■ **مفیه رضایی**

کارشناس مسائل سیاسی

یکی از اهداف اصلی دشمن در اغتشاشات اخیر تضعیف روحیه و کم کردن علاقه مردم به نظام سیاسی بود، هدفی که تا تکلیک‌های بسیاری نیز برای آن در نظر گرفته بودند؛ از پروژه‌های کشته‌سازی و دروغ‌تادوین سناریوهایی برای ایجاد آشوب‌های سریالی. در واقع آنها با ابزارهای از پیش تعیین شده، سعی در از بین بردن روحیه انقلابی مردم داشتند و این هدف را قطعاً در آینده نیز دنبال می‌کنند؛ با این حال آنچه برای همگان روشن شد این است که با وجود به‌کارگیری روش‌ها و ابزارهای مقابله و هم‌راس از جانب دشمن و تحریک خرابکاران داخلی، نه تنها از تمایل مردم به نظام سیاسی و انقلاب کم نشد که ابزارهای آشوبگری همچون یک کانالیزور باعث تعمیق ارتباط بیشتر مردم و دستاوردها و آرمان‌های انقلابی شد.

■ **اپوزیسیون همیشه در محاسباتش اشتباه می‌کند**

رویدادهای اخیر، طرح این روند کلی را در ذهن تقویت کرد که به موازات بیشتر شدن دامنه اعتراضات و نارضاایتی‌های اجتماعی هدایت شده، به حجب و انسجام و چسبندگی آرمان‌های انقلابی و گروه‌های مردمی افزوده می‌شود. این رویکردی است که طیف مخالف و اپوزیسیون داخل و خارج هیچ‌گاه به آن فکر نکرده‌اند یا شاید هم آن را تصور نکنند. شاهد آن نیز اینکه مخالفان سعی داشته و دارند که با الگوبرداری از روش‌های انقلابی که طی سال‌های پیش از انقلاب و بعد از آن همواره در جامعه بروز داشت، دست به خرابکاری بزنند؛ نمونه آن